

یک سرزمین

موعود

مترجم:

مرتضی اشتری

ویرستاران

دکتر امین شمس اختری

دکتر هدی کجوری

نشر بابازاده

۱۴۰۱

سرشناسه	اوباما، باراک، ۱۹۶۱-م. Obama, Barack
عنوان و نام پدیدآور	یک سرزمین موعود / [باراک اوباما] مترجم : مرتضی اشتری، ویراستاران: امین شمس اختری، هدی کجوری،
مشخصات نشر	تهران: بابازاده، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری	۹۰۴ ص.: مصور.
شابک	978-622-7184-26-6
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: [A promised land, 2020].
موضوع	اوباما، باراک، ۱۹۶۱-م.
موضوع	Obama, Barack
موضوع	روسای جمهور -- ایالات متحده -- سرگذشتنامه
	-- Biography -- United States Presidents
	سیاستمداران سیاهپوست ایالات متحده -- ایالات متحده -- سرگذشتنامه
	African American politicians -- United States -- Biography
موضوع	ایالات متحده -- سیاست و حکومت -- ۲۰۰۹-۲۰۱۷م.
	United States -- Politics and government -- 2009 - 2017
شناسه افزوده	اشتری، مرتضی، ۱۳۶۳-، مترجم
شناسه افزوده	شمس اختری، امین، ۱۳۵۹-، ویراستار Shams Akhtari, Amin
شناسه افزوده	کجوری، هدی، ۱۳۶۳-، ویراستار
رده بندی کنگره	۹۰۷۲
رده بندی دیویی	۹۳۲.۹۲/۹۷۳
شماره کتابشناسی ملی	۸۸۳۲۷۱۳

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است. این کتاب بدون نقول قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۰ می باشد. هیچ بخش یا جزئی از کتاب به هر شکل از جمله فتوکپی، تکثیر، بازنویسی، خلاصه برداری در هر قالبی از جمله کتاب، لوح فشرده، مجلات و بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست، و موجب پیگرد قانونی می شود.



یک سرزمین موعود

A Promised Land / Barack Obama

نویسنده: باراک اوباما

مترجم: مرتضی اشتری

ویراستاران: دکتر امین شمس اختری، دکتر هدی کجوری

چاپ اول، ۱۴۰۱، ۲۰۰۰ نسخه / چاپ و صحافی: الماس

نشر: بابازاده

تلفن: ۹۴ ۶۵ ۴۱ ۶۶ - ۹۸۸ ۴۱۰ ۶۶

شابک: ۶-۲۶-۷۱۸۴-۶۲۲-۹۷۸ ISBN: 978-622-7184-26-6

قیمت: ۱۹۵۰۰۰ تومان

فهرست

مقدمه	۵
بخش اول : شرط بستن	۱۱
فصل ۱	۱۲
فصل ۲	۳۲
فصل ۳	۵۵
فصل ۴	۹۱
بخش دوم : بله، ما می‌توانیم	۱۱۰
فصل ۵	۱۱۱
فصل ۶	۱۴۸
فصل ۷	۱۷۲
فصل ۸	۱۹۸
فصل ۹	۲۲۲
بخش سوم : خائن	۲۶۳
فصل ۱۰	۲۶۴
فصل ۱۱	۲۹۶
فصل ۱۲	۳۳۵
فصل ۱۳	۳۸۴
بخش چهارم : یک مبارزه خوب	۴۱۳
فصل ۱۴	۴۱۴
فصل ۱۵	۴۳۸
فصل ۱۶	۴۶۲
فصل ۱۷	۴۹۷
بخش پنجم : جهان آنگونه که هست	۵۳۳
فصل ۱۸	۵۳۴
فصل ۱۹	۵۵۵
فصل ۲۰	۵۸۱
فصل ۲۱	۶۰۳

مقدمه

نوشتن این کتاب را تقریباً بعد از پایان دوره ریاست جمهوری آغاز کردم؛ بعد از آن که من و میشل برای آخرین بار سوار هواپیمای ای فورس وان^۱ شدیم و برای استراحتی که مدت‌ها به تعویق افتاده بود، به سمت غرب پرواز کردیم. فضای هواپیما حالی میان شادمانی و اندوه داشت. هر دوی ما از نظر جسمی و روحی فرسوده بودیم؛ نه تنها به خاطر کار فرساینده هشت سال گذشته، که به دلیل نتایج غیرقابل پیش‌بینی یک انتخابات که در آن فردی به عنوان جایگزین من انتخاب شده بود که دقیقاً نقطه مقابل باورها و عملکردهای ما بود.

با وجود این، اکنون که به پایان این مسابقه رسیده‌ایم، بسیار خوشحالیم که هر کاری را که در توانمان بود انجام دادیم. اگرچه به عنوان یک رئیس جمهور، کاستی‌هایی داشتیم، و یا نتوانستیم پروژه‌هایی را که به انجام‌شان امیدوار بودم به سامان رسانم، اما باز هم کشور از زمانی که من به عنوان رئیس جمهور کارم را آغاز کردم وضعیت بهتری داشت.

به مدت یک ماه من و میشل صبح‌ها دیر از خواب بیدار می‌شدیم، با خیال راحت شام می‌خوردیم، مسافت زیادی را پیاده روی می‌کردیم، در اقیانوس شنا می‌کردیم، کارهایمان را سامان می‌دادیم، عشق‌مان را دوباره کشف می‌کردیم، و برای شرایطی کم فراز و نشیب‌تر اما -امیدوارم- خوشایندتر برنامه می‌ریختیم.

زمانی که آماده‌ی بازگشت به کار شدم، و با یک خودکار و کاغذ زرد رنگ پشت میزم نشستم طرحی روشن از این کتاب در ذهنم بود. (من هنوز دوست دارم همه چیز را دستی روی کاغذ بنویسم، چون فکر می‌کنم که کامپیوتر حتی خشن‌ترین ایده‌های من را نرم و لطیف جلوه می‌دهد و بر ایده‌های ناپخته‌ام صورتکی از نظم و انسجام می‌گذارد.) نخستین و البته مهم‌ترین نکته‌ای که باید بگویم این است که امیدوارم بتوانم صادقانه همه‌ی آن‌چه را که در دوره‌ی ریاست جمهوری‌ام در دفتر کارم گذشته بیان کنم. نه تنها

¹ Air Force One

به‌عنوان مقطعی از تاریخ که بستر رویدادهایی است کلیدی که تنها با نظارت من و اشخاص مهم دیگری که با آن‌ها مرتبط بودم اتفاق افتاده، بلکه به‌عنوان شرح حکایتی از برخی جریان‌ات مخالف و متقاطع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که چالش‌هایی را برای دولت من ایجاد کردند. همچنین تصمیماتی که من و تیم من در برابر این وقایع گرفتیم. تا حد امکان تلاش کردم به خواننده این احساس را منتقل کنم که رئیس‌جمهور آمریکا بودن چگونه است. می‌خواستم قدری پرده را کنار بزنم و به مردم نشان دهم که فارغ از این قدرت و شکوه، ریاست‌جمهوری فقط یک شغل است، و دولت فدرال ما هم همچون دیگر تشکّل‌ها فقط یک مجموعه‌ی انسانی است. زنان و مردانی که در کاخ سفید کار می‌کنند نیز هر روزه - مانند دیگر شهروندان - ترکیبی از رضایت، ناامیدی، اصطکاک‌های رایج اداره‌جات و غیره را تجربه می‌کنند.

در آخر می‌خواستم داستانی شخصی‌تر روایت کنم تا شاید الهام‌بخش جوان‌ترها برای یک عمر خدمت به جامعه باشد. این که چه‌طور مسیر حرفه‌ای من در سیاست با جست‌وجو برای پذیرفته شدن در یک کلاس آغاز شد، راهی برای توصیف کردن مجراهای گوناگون میراث مغشوش من و این که چگونه دسنه آخر توانستم تنها با پیوند زدن واگن زندگی خودم به چیزی بزرگ‌تر، هویت خودم، اجتماع و هدف زندگی را پیدا کنم.

در آغاز تصور می‌کردم که تمام این مطالب را نهایتاً در پانصد صفحه می‌نویسم و انتظار داشتم کتاب در یک سال پیش رو تمام شود. اما باید اعتراف کنم که فرآیند نوشتن، آن‌طور که برنامه‌ریزی کرده بودم پیش نرفت. خلاف تصور من، حجم و حوزه‌ی کتاب پیوسته گسترده‌تر می‌شد به همین دلیل بود که در نهایت تصمیم گرفتم آن را در دو جلد ارائه بدهم. خوب می‌دانم که نویسنده‌های با استعدادتر قطعاً راهی پیدا می‌کنند که یک داستان را موجزتر بنویسند (هر چه باشد خانه‌ی من در کاخ سفید دقیقاً کنار اتاق خواب پیشین لینکلن قرار داد؛ جایی که نسخه‌ی امضا شده‌ی ۲۷۲ کلمه‌ای سخنرانی گتیسبورگ^۱ در زیر جعبه‌ای شیشه‌ای نگهداری می‌شود) اما هر بار که شروع به نوشتن می‌کردم - چه درباره‌ی زمانی که اولین قدم‌های مبارزه‌ی انتخاباتی‌ام را برمی‌داشتم، چه درباره‌ی مذاکراتم با روسیه درباره‌ی

^۱ Gettysburg Address

کنترل سلاح هسته‌ای، یا راجع به نیروها و حرکت‌هایی که به بهار عربی منجر شد، و یا نحوه‌ی کار دولت من درباره‌ی کنترل بحران اقتصادی - ذهن من در برابر روایت خطی مقاومت می‌کرد. برخی اوقات احساس می‌کردم که حتماً باید در مورد تصمیماتی که من و دیگران گرفته بودیم چیزی بگویم، اما دلم نمی‌خواست گفتن آن‌ها را به پاورقی یا پی‌نوشت موکول کنم. (من از پاورقی‌ها و پی‌نوشت‌ها متنفرم!)

فارغ از تقلا برای نوشتن کلمات روی کاغذ، چیزی که هیچ پیش‌بینی نمی‌کردم رویدادهایی بود که در مدت‌زمان سه سال و نیم بعد از آخرین پرواز با هواپیمای ریاست‌جمهوری اتفاق افتاد. اکنون که این‌جا نشسته‌ام، کشور درگیر یک همه‌گیری جهانی (پاندمی) و بحران اقتصادی است. بیش از ۱۷۸ هزار آمریکایی مرده‌اند، مشاغل تعطیل‌اند و میلیون‌ها نفر بی‌کار شده‌اند. مردم آمریکا - از هر طیفی - به خیابان‌ها آمده‌اند تا به کشته‌شدن زنان و مردان بی‌دفاع سیاه‌پوست توسط پلیس اعتراض کنند. اما بدتر از همه، دموکراسی ما است که در بزنگاه این بحران، پریشان احوال شده است. بحرانی که ریشه در تقابلی بنیادی میان دو دیدگاه مخالف دارد که آمریکا چگونه است؟ و آمریکا چگونه باید باشد؟ بحرانی که بدنه‌ی سیاست را دچار تفرقه، خشمگین و غیر قابل اعتماد کرده است و از طرفی نیز باعث نقض مداوم هنجارهای نهادی و پادمان‌های رویه‌ای شده است. این‌ها مسائلی هستند که زمانی برای دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان نقطه‌ی عطف به حساب می‌آمد.

این نزاع مسأله‌ی جدیدی نیست. از بسیاری جهات، تصویرگر تجربه‌ی آمریکایی است که در اسناد بنیادی جاسازی شده است. این تجربه از سویی تمام انسان‌ها را برابر می‌داند و از سوی دیگر، ارزش یک برده را معادل سه‌پنجم یک فرد حساب می‌کند. این نزاع‌ها در تعبیر و سیمای دادگاه‌های ما تجلی پیدا می‌کنند؛ وقتی قاضی کل دادگاه عالی آمریکا بی‌برده و بدون تعارف برای بومیان آمریکایی (سرخ‌پوستان) توضیح می‌دهد که حقوق قبیله‌ای آن‌ها برای انتقال دارایی‌های‌شان قابل اجرا نیست، زیرا که دادگاه فاتحان^۱ ظرفیت به‌رسمیت‌شناختن حقوق رسمی مغلوبان^۲ را ندارد.

^۱ اشاره به ورود اروپاییان به آمریکا و تسخیر این کشور.

^۲ اشاره دارد به آمریکا بی‌های سرخ پوست که صاحبان اصلی این کشور بودند.